

سه چهارمضرب

ارشد تهماسبی



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهر

تهران - ۱۳۷۸

Shiraz-Beethoven.ir

ارشد تهماسبی، گردتبار است و از آنجا که خانواده یا در واقع، پدرش همیشه در مأموریت‌های اداری بوده است، او در سال ۱۳۳۶ در الیگودرز به دنیا آمده است. دوران کودکی و تحصیل را در سنندج، همدان و تهران گذراند. مقدمات تار را در همدان نزد آقایان کاظم لباسی و سیاوش دیهیمی فرا گرفت. علاقه اش به تار و موسیقی، در کودکی و در زمانی شکل گرفت که استاد محمدرضا لطفی دوره‌ی سپاهی دانش را در سنندج می‌گذراند و با پدر ارشد و یکی از بستگان آن‌ها حشر و نشر داشت و به همین دلیل خانه‌ی آن‌ها محل برگزاری محافل موسیقی بود.

در سال آخر دبیرستان به تهران آمد تا در کلاس درس استاد لطفی شرکت کند. چند جلسه به خانه‌ی استاد می‌رود و به دلیل مشغله‌ی اجرایی فراوان ایشان (حضور در برنامه‌های موسیقی رادیو، جشن هنر و اجرای کنسرت) کلاس‌ها به‌طور مرتب تشکیل نمی‌شوند. در نتیجه، به هنرستان موسیقی می‌رود و نیمی از ردیف موسی‌خان معروفی را نزد استاد هوشنگ ظریف می‌آموزد.

در سال ۱۳۵۸، پس از خاتمه‌ی خدمت سربازی، با تمرین و تلاش مستمر به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران راه می‌یابد و با استاد حسین علیزاده آشنا می‌شود. یک سال بعد، همزمان با انقلاب فرهنگی، رشته‌ی موسیقی تعطیل می‌شود و کار ادامه‌ی تحصیل متوقف می‌شود. در سال ۱۳۶۰ به عضویت کانون فرهنگی و هنری چاووش درمی‌آید. اجرای چند کنسرت و ضبط چند نوار از آثار استاد لطفی و استاد علیزاده حاصل فعالیت این دوره است. آشنایی با استاد محمدرضا لطفی و استاد حسین علیزاده باعث شد تا او نگاه و تلقی دیگری از موسیقی بیابد و در واقع، این دو استاد به‌عنوان آموزگاران او، نقش ویژه‌ای در روند فعالیت هنری او در عرصه‌ی موسیقی داشتند.

در همان سال‌های آغاز همکاری با چاووش، کلاس تدریس موسیقی دایر کرد و اکنون حدود بیست سال است که در تهران به آموزش هنرجویان تار مشغول است. بعد از بازگشت استاد علیزاده از سفر آلمان، دوره‌ی جدید فعالیت او آغاز می‌شود و کنسرت‌هایی را به همراه گروه ایشان اجرا می‌کند. در سال ۱۳۷۵ نیز گروهی را به نام «طلوع» تشکیل می‌دهد و کنسرتی را به مناسبت بازگشت استادش حسین علیزاده از سفر

قبل از چهار مضراب ماهر استاد ابوالحسن صبا، که در دهه‌ی ۳۰ بر اساس طرح و پایه‌ای از درویش‌خان ساخته شد، ساختمان چهارمضراب در ردیف‌های موسیقی - که عموماً به وسیله تارنوازان تدوین شده بود - بر پایه و حرکت آهنگین بسیار ساده‌ای استوار بود. اکثر این چهار مضراب‌ها بر پایه‌ی «دو راست چپ» و با حرکت پی‌درپی نُت‌ها، به صورت ملودی بالارونده یا پایین‌رونده ساخته شده بودند، به گونه‌ای که بافت اصلی آن‌ها قابل تکرار در دستگاه‌های مختلف بود و آنچه باعث تمایز دو چهارمضراب در دو دستگاه می‌شد، فقط فواصل مشخص نُت‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن دستگاه بود. به عنوان مثال، چهارمضراب‌های آغاز^(۱) دستگاه‌های نوا و همایون در ردیف میرزا عبدالله، هر دو از یک حرکت ملودی و یک پایه تبعیت می‌کنند، فقط اولی در فواصل نوا، و دومی در فواصل همایون اجرا می‌شوند؛ به همان گونه که مثلاً گوشه‌ی بسته‌نگار با حفظ تمامی مختصاتش می‌تواند در دستگاه‌های مختلف با فواصل مختلف تکرار و اجرا شود.

در دهه‌های بعد از شکل‌گیری ردیف، یعنی اوایل دوران پهلوی نوازندگانی به وجود آمدند و به قریحه چهارمضراب‌هایی ساختند که از پایه‌ها و حرکت ملودی تازه‌تری برخوردار بودند. شاخص‌ترین این نوازندگان (در تار) استاد علی‌اکبر شهنازی بود که چهارمضراب‌هایش در نوع و زمان خود، متفاوت و قابل اعتنا و تعمق است؛ اما متأسفانه آثار این استاد به دلیل آن که اساساً، سبک نوازندگی‌اش - به دلایل مختلف - مخاطبان عام نیافت، کم‌تر به گوش رسید. چهارمضراب‌های سه‌گانه‌ی استاد صبا نقطه‌ی عطفی بود بر روند تغییر و تحول ساختمان این فرم. چهارمضراب ماهر استاد صبا که بنا بر روایات بر اساس طرحی از درویش‌خان ساخته شده بود؛ در این میان مقبولیتی تمام یافت. این اثر از جمله آثاری است که اگر نتوان گفت قرن‌ها، به یقین می‌توان ادعا کرد که در طول چند دهه، یک‌بار ممکن است نظیرش به وجود آید و از مقبولیتی عام برخوردار شود. این چهارمضراب در طول چند دهه و اکنون نیز به عنوان سمبل این فرم در میان موسیقی‌دانان و مردم شناخته شده است. بارزترین علت مقبولیت آن، این است که هم ساختمان استواری دارد، و هم از استحکام تکنیکی، ردیفی و... برخوردار است، و در عین حال، مردم‌پسند نیز هست. این دو ویژگی به ندرت در یک اثر جمع می‌شوند. آثار هنری معمولاً یا مخاطبان خاص دارند و یا مخاطبان عام؛ و آثاری که بتوانند هر دو طیف خاص (متخصصان یا آشنایان فن) و عام (افراد غیرمتخصص) را جذب کنند بسیار نادرند. در تاریخ صدساله‌ی موسیقی ایران، آثار معدودی این ویژگی را داشته‌اند. در این میان، چند اثر از عارف،

چهار مضرب ابوعطا (حجاز)

The image displays a musical score for a piece titled "چهار مضرب ابوعطا (حجاز)". The score is written in a 3/8 time signature and a key signature of one flat (B-flat). It consists of ten staves of music. The notation includes various rhythmic values such as eighth and sixteenth notes, and rests. There are also several dynamic and articulation markings, including accents (>), slurs, and breath marks (^). The first staff begins with a 1-measure rest. The music is characterized by a steady eighth-note pulse with occasional melodic variations and accents.

چهارمضراب دشتی

The image displays a musical score for 'Chaharmusab Dastgi' in 12/8 time. The score is written on ten staves, each beginning with a treble clef, a key signature of one flat (B-flat), and a 12/8 time signature. The notation includes various rhythmic patterns, including eighth and sixteenth notes, and rests. Specific musical ornaments and techniques are indicated by symbols: 'tr' for trills, 'v' for accents, and '3' for triplets. Fingerings are also specified with numbers 1 and 2. The score concludes with a double bar line and repeat dots.